

معناشناسی اصطلاح «اصلحک الله» با تأملی در کاربری‌های آن در منابع فریقین

امیررضا توکلی^۱
مصطفی فناعتر^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۱۰

چکیده

تعبیر «اصلحک الله» از تعبیر پربسامد در منابع فریقین است. شمار زیادی از فقها و راویان امامیه، امام معصوم (ع) را با این عبارت مورد خطاب قرار داده‌اند. ترجمه لغوی این عبارت سبب شده که برخی همچون مجلسی پدر و پسر، به کارگیری این عبارت توسط راوی را دلیلی بر معرفت و شناخت کم او نسبت به امام (ع) تلقی کنند. این در حالی است که در پژوهش پیش‌رو به سراغ کاربری‌های معنای «اصلحک الله» رفته و دریافتیم که این عبارت، اصطلاحی فرهنگی بوده و با معنایی که عموماً از آن برداشت می‌شود، تفاوت دارد. این اصطلاح دارای معنای محوری «خطاب دانی به عالی» است و گونه‌ای از عرض ادب و شرمساری گوینده به امام (ع) / مخاطب را نشان می‌دهد. این کاربری با این معنای محوری، با رویکردهای مختلفی از جمله در مقام عرض حاجت بودن، طرح سؤال مجدد، بیان شگفت‌زدگی و انتقاد ایراد می‌شده است. کلیدواژه‌ها: اصلحک الله، معناشناسی، احترام، حدیث، غریب الحدیث.

مقدمه

«اصلحک الله» عبارتی پرتکرار در منابع عامه و امامیه است. عبارتی که با توجه به نگاه اعتقادی امامیه با یک چالش روبه‌رو می‌شود. بسیاری از اصحاب که شمار قابل توجهی از آنان مقام والای امام (ع) را درک می‌کنند، خطاب به امام معصوم (ع) «اصلحک الله» را به کار برده‌اند.

۱. دانش‌آموخته سطح سه حوزه علمیه خراسان (نویسنده مسئول) (tavakoliamireza@gmail.com).

۲. دانش‌آموخته سطح چهار حوزه علمیه (mostafaghanaatgar@yahoo.com).

برخی محدثین و فقها با تکیه بر معنای لغوی این عبارت، کاربرست آن توسط راوی را حاکی از معرفت و شناخت کم او نسبت به امام معصوم علیه السلام دانسته‌اند، تا جایی که مجلسی اول این واژه را خطاب به امام علیه السلام بی ادبانه دانسته^۱ و مجلسی دوم به عنوان یک احتمال، این برداشت را مطرح می‌کند.^۲ برخی نیز اگرچه با بیان توضیحاتی آن را دلیل بر تنقیص امام علیه السلام و بی ادبی به ایشان ندانسته‌اند، اما معنای دقیقی نیز از این عبارت به دست نداده‌اند.^۳

مترجمین برخی کتب حدیثی همچون الکافی نیز یا دست به ترجمه این عبارت نزده^۴ و یا با تکیه بر معنای لغوی «اصحک الله»^۵ آن را ترجمه کرده‌اند.^۶ نبود معنایی روشن برای این عبارت پرتکرار در منابع حدیثی امامیه - که متناسب با کاربرست‌های آن نیز باشد - همواره حدیث پژوهان و طلاب علوم دینی را با چالش روبه رو کرده است.

مسئله‌ای که در هر کلامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و در حوزه معناشناسی مورد بررسی قرار می‌گیرد.^۷ از این رو، در پژوهش پیش رو با فاصله گرفتن از معنای لغت‌شناسانه و با تکیه بر روش سیاقی^۸ به سراغ کاربرست‌های معنای «اصحک الله» در منابع حدیثی و تاریخی عامه و امامیه رفته‌ایم.

در مسیر معناشناسی اصطلاح «اصحک الله» مرور یک به یک کاربرست‌های آن در منابع فریقین این معنا را به دست می‌دهد که اولاً از سوی دانی به عالی انشا شده است، و ثانیاً گونه‌ای احترام، عرض ادب و شرمساری گوینده به امام علیه السلام / مخاطب را نشان می‌دهد. اگر بخواهیم ترجمه‌ای بلاغی و معادل معنایی فارسی در محاورات امروزی برای اصطلاح

۱. روضة المتقین، ج ۱۰، ص ۴۳.

۲. مرآة العقول، ج ۹، ص ۳۷۴.

۳. رک: شرح چهل حدیث، ص ۴۵۲؛ تقریر الفائق فی الاصول شب زنده دار، جلسه پنجاه و یکم، رک: <http://www.feghahat.ir>؛ معنای اصحک الله، پرسش و پاسخ، احمد عابدی، رک: <https://ahmadabedi.com>.

۴. نمونه: رک: الکافی ترجمه کمره‌ای و مصطفوی.

۵. مجمع البحرین، ج ۲، ص ۳۸۸: أَصْلَحَكَ اللَّهُ: وَفَقَكَ لِصَالِحِ دِينِكَ وَالْعَمَلِ بِفَرَائِضِهِ وَأَدَاءِ حَقَّقِهِ. در این میان دیب‌البغاء کمی از ترجمه لغوی فاصله گرفته و با تأمل در سیاق استعمال این عبارت، اصحک الله را این گونه ترجمه کرده است: «أَصْلَحَكَ اللَّهُ» کلمة اعتادوا أن يقولوها عند الطلب أو المراد الدعاء له بإصلاح جسمه ليعافی من مرضه (صحیح البخاری، تصحیح دیب‌البغی، ج ۶، ص ۲۵۸۸).

۶. نمونه: رک: المؤمن، ترجمه عبدالله صالحی: خدا (امور) شما را اصلاح فرماید؛ الغیبة (نعمانی)، ترجمه غفاری: خداوند کار شما را اصلاح فرماید (شما را سلامت بدارد).

۷. رک: معناشناسی ۲، ص ۴.

۸. همان، ص ۳۴: در این روش به همه کاربردهای یک واژه در زبان توجه می‌شود. برخی زبان‌شناسان همچون «برتراند راسل» تصریح کرده‌اند که معنای یک واژه را نمی‌توانیم بدون توجه به میانگین کاربردهای زبانی آن بیابیم.

«اصلحک الله» بیان کنیم، شاید بتوان «ببخشید» یا «عذر می‌خواهم» را بیان کرد. در نتیجه، انگاره برخی محدثان و فقها درباره «اصلحک الله» - که به آن اشاره شد - مردود است. در مجموع، عبارت «اصلحک الله» - که در تراث حدیثی شیعی از سوی اصحاب به امامان علیهم‌السلام گفته می‌شده - یک تعارف روزمره به هنگام پرسش یا مشورت متواضعانه بوده و از نوع نگاه امام‌شناسانه راوی پرده برنمی‌دارد؛^۱ به ویژه توجیهات غریبی همچون این‌که «استعمال این کلمه توسط زراره در ابتدای آشنایی او با معارف امامیه بوده» در خصوص محمد بن مسلم، برید بن معاویه، منصور بن حازم، عبدالله بن ابی‌یعفور، حمران بن اعین، حماد بن عثمان و نظایران که جملگی از اجلا، فقها و ثقات امامی^۲ هستند، صادق نخواهد بود.

کاربست‌های معنایی اصطلاح اصلحک الله

با توجه به مرور گزارش‌های حاوی «اصلحک الله» در منابع فریقین این نکته روشن می‌شود که در همه این موارد معنای دانی به عالی، بستر شکل‌گیری این کاربرد است. فراتر از این معنا به حسب مورد خاص هر گزارش، معنایی دیگر نیز لحاظ شده است. به دیگر سخن، به کاربرنده این اصطلاح پیوسته خود را پایین‌تر از مخاطب دانسته است. آنچه معانی متعدد دیگر را به این معنای اصلی اضافه کرده، رویکردهای گوناگون به کارگیرنده «اصلحک الله» است. در ابتدا معنای اصلی و در ادامه به رویکردها اشاره خواهیم کرد.

معنای محوری: خطاب دانی به عالی (احترام)

تدقیق در کاربرست‌های «اصلحک الله» در تراث حدیثی امامیه و منابع به وضوح نشان می‌دهد که از منظر گوینده، مخاطب از جایگاه بالا و ویژه‌ای برخوردار است. جایگاه خلافت،^۳ قضاوت،^۴ وزارت،^۵ تحدیث^۶ و صحابه بودن^۷ مخاطب نمایانگر این است که خطاب «دانی به عالی»

۱. در گفت و گوی شفاهی که با حجة الاسلام شبیری زنجان‌ی داشتیم، ایشان با تمجید از نفس این تحقیق، تأکید تأکید کردند که نظر ابوی ایشان حضرت آیه الله سید موسی شبیری نیز بر این است که اصلحک الله یک اصطلاح روزمره و متعارف بوده و همان طور که اشاره شد، پرده از نگاه امام‌شناسانه راوی بر نداشته و انگاره برخی از محدثان در این باره نادرست است.

۲. بر اساس ارزیابی نرم افزار رجالی درایه الحدیث.

۳. البیان و التبیین، ج ۳، ص ۲۹؛ الکافی، ج ۱۴، ص ۶۸۳.

۴. رسائل جاحظ، ج ۲، ص ۲۳۹.

۵. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۴۱.

۶. القدر فریابی، ص ۱۱۶؛ امالی ابن مزروع، ص ۱۱؛ ال مصنف (ابن ابی شیبه)، ج ۱۷، ص ۱۹.

۷. فضائل مکه، ص ۱۵۲؛ المروءة، ص ۸۲.

است. طبق بررسی انجام گرفته جز در یک مورد، تمامی استعمال‌های «اصحک الله» از دانی به عالی است. در آن تک گزارش هم - که از منابع عامه به دست آمده و کمتر از ۲۵/۰ درصد از کاربردهای «اصحک الله» را به خود اختصاص داده است - گزارش‌گر بین «اصحک الله» و «رحمک الله» مردود بوده و نمی‌داند که رسول خدا ﷺ با به کارگیری کدام یک از این عبارات همسر خود را خطاب قرار دادند.^۱ همین تردید راوی، احتمال این که این عبارت از سوی پیامبر ﷺ صادر نشده باشد را تقویت می‌کند.

از امام علی (ع) - که یگانه منبع معرفتی امامیه به شمار می‌آید - گذر کنیم، منابع عامه تصویر روشن‌تری از ادای احترام، عرض ادب و شرمساری گوینده «اصحک الله» به مخاطب خود به ما نشان می‌دهند. در گزارش‌های متعدد، مخاطب از جایگاه رفیعی در اجتماع برخوردار بوده و در بیش از هفتاد درصد گزارش‌های عامی، بر کرسی خلافت،^۲ امارت^۳ و قضاوت^۴ تکیه زده است. به وضوح، متکلم در اطاله کلام خود، ذبری پرهیز از تکرار گزاره «اصحک الله الامیر»^۵ و یا «اصحک الله القاضی»^۶ از عبارت «اصحک الله» بهره می‌برد. در مواردی شاهدیم که متکلم در خطاب خود به کسانی که پدران‌شان شخصیت‌های مطرحی بوده و به اصطلاح امروزی با عنوان «آقازادگی» در جامعه آن زمانه زیست می‌کرده‌اند، از این عبارت وام می‌گرفته است.^۷ همچنین اگر مخاطب صحابه پیامبر ﷺ،^۸ فقیه و محدث،^۹ بزرگ یک قبیله^{۱۰} و گروه^{۱۱} بوده، گوینده در کلام خود از آن استفاده می‌کرده است.

در ادامه به بیان ادله اثبات فرضیه این پژوهش رفته‌ایم که در قالب ده رویکرد بیان خواهد شد. توضیح، این که در همه این رویکردها پیش از آن که آن رویکرد به اثبات برسد، معنای

۱. الطبقات الکبری، ج ۱۰، ص ۲۶۷؛ مسند احمد، ج ۴۴، ص ۴۵۰.

۲. نمونه: الإشراف فی منازل الأشراف، ص ۱۱۷.

۳. تاریخ الطبری، ج ۵، ص ۳۶۳.

۴. نمونه: اخبار القضاة، ج ۲، ص ۴۸.

۵. نمونه: المحاسن و الاضداد، ص ۳۱؛ جمهرة نسب قریش، ص ۳۲۵؛ عیون الاخبار، ج ۲، ص ۱۷۸.

۶. نمونه: أخبار القضاة، ج ۱، ص ۱۸۸؛ المجلس الصالح الکافی، ص ۲۳۲؛ البصائر و الذخائر، ج ۴، ص ۷۵.

۷. جمهرة نسب قریش، ص ۹۰؛ رسائل جاحظ، ج ۲، ص ۲۳۰؛ اخبار الدولة العباسیه، ص ۳۵.

۸. نمونه: مسند احمد، ج ۲۵، ص ۳۹۵.

۹. نمونه: الامالی (ابن مزروع)، ص ۱۳.

۱۰. نمونه: طبقات الشعراء، ص ۳۷.

۱۱. نمونه: تاریخ الطبری، ج ۸، ص ۲۶۴.

دانی به عالی پیش فرض آن رویکرد است. در نتیجه، بیان رویکردهای ده گانه به مثابه بیان معنای اصطلاح اصلحک الله است.

رویکرد ۱: پذیرش منصب رسمی و اداری

«اصلحک الله» رفته رفته و در نیمه دوم قرن نخست به عنوان یک خطاب رسمی شناخته می شد و استعمال این عبارت توسط گوینده دلالت بر این داشت که او جایگاه رفیع مخاطب و صلاحیت تکیه زدن او بر منصب امارت و یا قضاوت را پذیرفته است؛^۱ به عنوان نمونه، ابا اسحاق فرازی برای این که نشان دهد در ملاقاتش با هارون عباسی وقعی به جایگاه خلافت هارون ننهاد، تأکید می کند که حتی او را با عبارت «اصلحک الله» نیز خطاب نکرده است.^۲ پیروان نهضت ها نیز رهبران قیام را با «اصلحک الله» خطاب کرده تا بدین شکل مولویت و امارت آنان را بر خود اظهار کنند.^۳ در این رویکرد به روشنی معنای دانی به عالی مسلم و پیش فرض گرفته شده است.

رویکرد ۲: پرسش

یکی از پرسش های کاربردی «اصلحک الله»، در هنگام پرسیدن سؤال است.^۴ بدیهی است که نفس پرسش استفهامی نمایانگر دوسئال و علومسئول است. با توجه به آنچه در معنای محوری گفته شده (دانی به عالی)، امام معصوم (علیه السلام) - که یگانه منبع معرفتی شیعه است - مورد پرسش قرار گرفته است.^۵

امیرمؤمنان (علیه السلام) نیز با به کارگیری این اصطلاح، سؤال خود را از پیامبر (صلی الله علیه و آله) مطرح کرده است.^۶ امام معصوم (علیه السلام) که گاه در جایگاه خلافت،^۷ وزارت،^۸ سیادت بر سادات و

۱. الجامع لعلوم الإمام أحمد، ج ۱۳، ص ۵۷.

۲. اخبار شیوخ و احوالهم، ص ۶۹.

۳. تاریخ الطبری، ج ۵، ص ۱۹۱ و ج ۷، ص ۲۶۴.

۴. نمونه: بلاغات النساء، ص ۱۲۸؛ حدیث سفیان بن عیینة، ص ۵۸؛ ال مصنف (عبد الرزاق)، ج ۵، ص ۲۶۳ و ۳۰۷؛ تاریخ ابن معین، ج ۱، ص ۱۵۰؛ بصائر الدرجات، ج ۱، ۲۴۵؛ الکافی، ج ۱، ص ۵۹۸؛ «فَقَالَ لَهُ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَبِي يَعْقُوبٍ: أَصْلَحَكَ اللَّهُ، أَيْعْرِفُ هَذَا بَنُو الْحَسَنِ؟».

۵. نمونه: ال توحید، ص ۳۳۰؛ الکافی، ج ۵، ص ۵۸۶.

۶. بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۲۹۲.

۷. شرح ابن ابی الحدید، ج ۳، ص ۱۳۶.

۸. تفسیر القمی، ج ۱، ص ۱۸۳.

بنی هاشم^۱ تکیه زده است، از سوی عامه به این شکل مورد سؤال قرار می گیرد. ابوحنیفه نیز در اولین ملاقات خود با امام صادق (ع) ایشان را با این عبارت خطاب می کند. فضای گزارش شیعی و عامی درباره این ملاقات نشان می دهد که امام (ع) نه تنها در نگاه ابوحنیفه محدث بزرگ زمانه بوده اند، بلکه شناخت عمیق امام (ع) از شخصیت ابوحنیفه، باعث شگفتی و حیرت او شده و جایگاه امام را در چشمان او دو چندان کرده است.^۲ همچنین مأمون،^۳ یحیی بن اکثم^۴ و فضل بن سهل^۵ نیز امام هشتم (ع) را - که بر منصب ولایتعهدی تکیه زده اند - با «اصحک الله» خطاب کرده اند. این پرسش ها گاه با شگفت زدگی راوی همراه است.^۶

رویکرد ۳: شرمساری

در برخی موارد هنگامی که سؤالات فرد ادامه پیدا می کند، استفاده از عبارت «اصحک الله» نمود بیشتری می یابد.^۷ در یکی از موارد راوی خود تصریح می کند که به کارگیری این عبارت «اشتَحْيَاءً مِنْ كَثْرَةِ مَا سَأَلْتُهُ» بوده است.^۸ این، یعنی شخص از این که مصدع اوقات امام (ع) / مخاطب شده پوزش می طلبد.

در مواردی جواب نخست امام (ع) رضایت بخش نبوده و گوینده در هنگامه تکرار سؤال و شنیدن پاسخ قانع کننده از این عبارت استفاده می کند.^۹ البته این تکرار سؤال گاه برای اطمینان بیشتری برای فهمیدن جزئیات افزون تر انجام می گیرد.^{۱۰}

از دیگر مواردی که به نوعی شرمساری راوی را حکایت می کند، زمانی است که راوی حول

۱. الخوانج و الجرائح، ج ۲، ص ۵۸۷.

۲. الموفقیات، ص ۱۹؛ علل الشرایع، ج ۱، ص ۹۰.

۳. الغیبة (طوسی)، ص ۷۳.

۴. تفسیر القمی، ج ۱، ص ۱۸۳.

۵. بحار الأنوار، ج ۵۴، ص ۲۵۶.

۶. الغیبة (نعمانی)، ص ۲۶۵؛ شرح ابن ابی الحدید، ج ۹، ص ۶۶؛ الادب المفرد، ص ۶۹؛ جمهرة نسب قریش، ص ۳۱۰؛ المعارف، ج ۱، ص ۴۳۴؛ اصول سته عشر، ص ۱۸۹.

۷. نمونه: سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۱۷۰؛ صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۹۷۹؛ الکافی، ج ۱۳، ص ۵۶۲.

۸. الکافی، ج ۱۰، ص ۸۷.

۹. تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۲۸ و ج ۵، ص ۸۸ و ج ۹، ص ۲۷۷؛ قرب الاسناد، ص ۳۶۷.

۱۰. نمونه: الکافی، ج ۸، ص ۶۸۸؛ الاستبصار، ج ۲، ص ۴؛ کتاب سلیم بن قیس الهمدانی، ج ۲، ص ۶۰۹؛ السقیفه و الفدک، ص ۸۱؛ معانی الأخبار، ص ۱۶۶ و ۱۹۲؛ السرائر، ج ۳، ص ۵۸۰؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۸۶۴.

نظرخواهی و پرسشش از امام علیه السلام، رأی و یا رفتار متفاوت و متضاد خود امام علیه السلام^۱ یا معصوم علیه السلام^۲ شخص و گروه^۳ دیگری را ذکر کرده و در ابتدای سخن خود از «اصلحک الله» استفاده می کند. در گزارشی گوینده خشن پوشی امیرمؤمنان علیه السلام را به امام صادق علیه السلام یادآور شده و از سبک متفاوت پوشش ایشان با امیرمؤمنان علیه السلام سؤال می کند.^۴

شرمساری گاه ناظر به محتوای پرسش و به خاطری اهمیت و پیش پا افتاده بودن سؤال است.^۵ در نمونه هایی، محتوایی اهمیت نبوده و خجالت راوی به سبب مضمون قبیح نمای آن است. پرسش از روابط خصوصی و زناشویی،^۶ حکم شرابخواری،^۷ کیفیت اعانه و همکاری با حاکم جور^۸ و مسائل ربوی^۹ از جمله این موارد است. راوی گاه پیش از بیان اعتقادات عامه که حاوی مدح مخالفین^{۱۰} و قدح امامان علیهم السلام^{۱۱} و پیامبران علیهم السلام^{۱۲} است، از «اصلحک الله» بهره می برد. بافت همه این موارد نیز نمایانگر خطاب دانی به عالی است.

رویکرد ۴: اشکال و نقد

گوینده اگر نقدی به نظریه رفتار امام علیه السلام / قاضی / مخاطب داشته باشد، در سخن خود از «اصلحک الله» بهره می برد.^{۱۳} محمد بن منکدر که محدث و عابد شناخته شده عصر خود بود،^{۱۴} وقتی می خواهد امرار معاش امام باقر علیه السلام را مذمت کرده و به نحوی امام علیه السلام را نصیحت به ترک دنیا کند - چون امام علیه السلام در نظر او جایگاه ویژه ای داشته و بزرگ قریش هستند - ایشان را با «اصلحک الله» خطاب می کند. همان طور که ابن منکدر نیز خود تصریح می کند،

۱. الکافی، ج ۸، ص ۲۲۷.

۲. الاستبصار، ج ۲، ص ۱۲۴؛ تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۱۳.

۳. تفسیر فوات الکوفی، ص ۱۹۱ و ۱۳۵ و ۳۱۹؛ المسترشد للإمام علی علیه السلام، ص ۲۴۵؛ الخصال، ج ۲، ص ۴۱۱.

۴. الکافی، ج ۱۳، ص ۲۳.

۵. نمونه: همان، ج ۶، ص ۴۳۰.

۶. الکافی، ج ۸، ص ۱۶۸؛ ال نوادر، ص ۹۱؛ الاختصاص، ص ۱۰۲؛ تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۲۴۵.

۷. الکافی، ج ۱۲، ص ۶۹۲ و ۷۱۰.

۸. تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۳۳۱.

۹. من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۸۳.

۱۰. بحار الأنوار، ج ۲، ص ۲۱۸.

۱۱. الکافی، ج ۱۵، ص ۳۹۱؛ تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۱۸۰؛ الغیبة (نعمانی)، ص ۲۶۱.

۱۲. الکافی، ج ۱۱، ص ۵۵۲.

۱۳. المدونه، ج ۴، ص ۳۵۰؛ الاموال ابو عبید، ص ۷۲۰.

۱۴. الطبقات الکبری، ج ۷، ص ۴۴۱.

در نظر او امام علیه السلام از جایگاه اجتماعی ویژه‌ای برخوردار بوده و خطاب در این مورد نیز عالی به دانی است.

رویکرد ۵: هنگامه پاسخ

یکی از قالب‌های پرتکرار «اصحک الله»، در پاسخ به پرسش امام علیه السلام و یا کسی است که از جایگاه بلندی برخوردار است.^۱ در گزارشی امام باقر علیه السلام در ابتدای پاسخ خود به سؤال امام حسین علیه السلام، از «اصحک الله» بهره می‌برند.^۲ از مسلمات تاریخ است که در هنگام شهادت امام حسین علیه السلام، امام باقر علیه السلام کودکی خردسال بوده و این طبیعی است که جد خود را با ادبیات فخیمانه و از موضع پایین به بالا خطاب کنند. همچنین این گزارش به تصریح نشان می‌دهد «اصحک الله» به هیچ وجه دال بر مذمت نیست؛ چگونه است که امام معصوم علیه السلام، معصوم دیگری را مذمت کند؟!

رویکرد ۶: رفع ابهام

در نمونه‌هایی راوی نه با سؤال امام علیه السلام / مخاطب، بلکه با توبیخ^۳ و یا غضب^۴ وی روبه‌رو شده و در واکنش برای اصلاح پیش‌فرض ذهنی^۵ یا اصلاح گمان بدی^۶ که شکل گرفته، در سخنانش از «اصحک الله» وام می‌گیرد. روشن است در ماجرای که میان سعید اعرج و امام صادق علیه السلام رقم می‌خورد، سعید برای این‌که به زعم خود ابهام امام علیه السلام را رفع کند، از این اصطلاح در اول کلام خود استفاده کرده است.^۷ این گزارش نیز ما را به معنای محوری اصطلاح «اصحک الله» رهنمون می‌سازد.

رویکرد ۷: جایگزین ندا

از پربسامدترین موارد استعمال اصطلاح «اصحک الله» در هنگامه آغاز سخن و جایگزین

۱. الکافی، ج ۹، ص ۱۷؛ تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۴۰؛ المؤمن، ص ۵۵ و ۶۴؛ انساب الخیل فی الجاهلیة، ص ۳۱؛ طبقات فحول الشعراء، ج ۲، ص ۲۹۴؛ اخبار الموفقیات، ۱۹ و ۲۷؛ دیوان ابی الاسود دوانلی، ص ۱۸۳؛ کتاب بغداد، ص ۶۸؛ العزله و الانفراد، ۵۷؛ مسند ابی یعلی، ص ۵۷.

۲. الکافی، ج ۸، ص ۱۰۶.

۳. المصنف (ابن ابی شیبیه)، ج ۱۱، ۳۹۳؛ العلل و معرفة الرجال، ج ۳، ص ۲۸۰.

۴. بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۱۷۵.

۵. عمده عیون، ص ۱۱۱؛ شرح نقائض الجریر، ج ۳، ص ۹۳۸؛ مسائل احمد و اسحاق، ج ۱، ص ۱۵۳؛ اخبار القضاة، ج ۱، ص ۳۶۶؛ «تقدم إلى إياس بن معاوية نفر ليشهدوا! فقال: لبعضهم: تقدم يا سماك؛ فقال: لست بسماك أصلحك الله...».

۶. صحيح الادب المفرد، ص ۴۵۴؛ اخبار مکه، ج ۳، ص ۱۸۵؛ اخبار القضاة، ج ۲، ص ۱۸۵ و ج ۳، ص ۱۸۵.

۷. تفسير العتاشي، ج ۲، ص ۳۰۹.

ندا است و در این رویکرد نیز مخاطب از منظر گوینده از جایگاه معرفتی، دینی، سیاسی و اجتماعی بالایی برخوردار است.^۱

رویکرد ۸: تذکر و مشاوره

یادآوری نکته‌ای که مخاطب از آن غفلت کرده، از دیگر موارد کاربست «اصلحک الله» است. بیشترین این موارد، خطاب به قضات است که در حکم اولیه خود، مسائل و موضوعات مؤثر در حکم را مورد توجه قرار نداده‌اند.^۲ در گزارش‌هایی نیز فرد برای مشورت دادن به مخاطبی که در جایگاه بالاتری قرار دارد، از «اصلحک الله» بهره می‌برد.^۳ فضیل بن یسار در واکنش به استشاره امام صادق (ع) از او، با به کار بردن «اصلحک الله» بیان می‌دارد که همچون منی چگونه می‌تواند به همچون شمایی که در جایگاه امامت قرار داد، مشورت دهد؟^۴

رویکرد ۹: احوال‌پرسی و دعا برای طول عمر

«اصلحک» در مواردی با نزدیک شدن به معنای لغوی خود جهت دعا برای سلامتی و بهبودی مریض^۵ و یا دعا برای این‌که به مخاطب بیماری نرسد^۶ استعمال شده است. در

۱. نمونه: وقعه الطف، ص ۸۴؛ وقعه صفین، ص ۶۱؛ الأمالی (طوسی)، ص ۷۳۷؛ ال مصنف (ابن ابی شیبہ)، ج ۱، ص ۳۲۰؛ تاریخ خلیفه بن خیاط، ص ۲۵۵؛ الطبقات الکبری، ج ۵، ص ۲۶۹؛ المحاسن و الأضداد، ص ۳۱؛ فتوح مصر و المغرب، ص ۱۰۹؛ تاریخ الثقات، ج ۱، ص ۳۱۵؛ سیره ابن اسحاق، ص ۱۰۸؛ مشیخه یعقوب بن سفیان، ص ۶۵؛ «أن مُحَمَّدَ بْنَ عَمْرٍاءَ بْنَ حُصَيْنٍ الْخَزَاعِيُّ، مر على عبد الملك بن علي الليثي، وهو قاضي البصرة يومئذ، وقد باع داراً له فقال: ما هذه الجماعة التي أرى؟ قالوا: القاضي باع داره، فنزل عن دابته، ثم نزل فقال: أصلحك الله، فقال: بع دارك قال: نعم، قال من حاجة؟ قال: لا، ولكن أعطيت بها ثمنها فبعتها».

۲. انساب الاشراف، ج ۹، ص ۹۰؛ «أمسى خالد بالصلاة يوماً فقام إليه شاب من كنده فقال: الصلاة أصلحك الله؛ الجامع، ج ۱، ص ۴۰۴؛ الطبقات الكبرى، ج ۲، ص ۵۱۵؛ الشعر و الشعراء، ج ۲، ص ۵۵۱؛ العمر و الشيب، ص ۷۹؛ مسند ابی یعلی، ج ۷، ص ۳۰۵؛ تاریخ الامم و الملوك، ج ۹، ص ۳۸؛ اخبار القضاة، ج ۲، ص ۱۰۹؛ فتوح البلدان، ص ۳۵۴.

۳. حار الأنوار، ج ۴۸، ص ۱۵۱: «فَأَظْلَعَهُمْ أَبُو الْحَسَنِ (ع) عَلَى مَا وَرَدَ عَلَيْهِ مِنَ الْخَبَرِ وَقَالَ لَهُمْ مَا تُشِيرُونَ فِي هَذَا فَقَالُوا نُشِيرُ عَلَيْكَ أَصْلَحَكَ اللَّهُ وَ عَلَيْنَا مَعَكَ أَنْ تُبَاعِدَ شَخْصَكَ عَنْ هَذَا الْجَبَّارِ وَ تُعَيِّبَ شَخْصَكَ دُونَهُ»؛ وقعه الطف، ص ۲۱۳؛ الغارات، ج ۱، ص ۳۴۸.

۴. المحاسن، ج ۲، ص ۶۰۱: «عَنِ الْفَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ: اسْتَشَارَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) مَرَّةً فِي أَمْرٍ فَقُلْتُ أَصْلَحَكَ اللَّهُ وَثَلِي يُشِيرُ عَلَى مِثْلِكَ قَالَ نَعَمْ إِذَا اسْتَشَرْتُكَ».

۵. صحيح البخاری، ج ۶، ص ۲۵۸۸: «دَخَلْنَا عَلَى عِبَادَةِ بْنِ الصَّامِتِ وَهُوَ مَرِيضٌ، قُلْنَا: أَصْلَحَكَ اللَّهُ»؛ صحيح مسلم، ج ۳، ص ۱۴۷۰.

۶. طب الائمة، ص ۱۰۳.

مواردی گوینده برای احوال‌پرسی و جویاشدن حال مخاطب، از این عبارت استفاده می‌کند.^۱

سیاق و بافت به کارگیری این عبارت نشانگر این است که گوینده گاه برای دعا برای طول عمر امام علیه السلام / مخاطب از این گزاره در کلام خود بهره برده است. در گزارشی راوی درخصوص جانشین امام علیه السلام، از ایشان سؤال می‌نماید و به سبب این‌که این سؤال غیرمستقیم به درگذشت امام علیه السلام اشاره دارد، با «اصحک الله» برای طول عمر ایشان دعا می‌کند.^۲ گوینده گاه در عرض تسلیت خود، برای طول عمر بازماندگان دعا کرده و در پیام خود از این عبارت وام می‌گیرد؛^۳ امری که امروزه نیز در عرف جامعه ایرانی مرسوم است.

رویکرد ۱۰: عرض حاجت

در موارد فراوان، متکلم در هنگام عرض حاجت خود از «اصحک الله» بهره می‌برد. در این فقره عمدتاً مخاطب دارای مسئولیت‌هایی مرتبط با مشکل و حاجت گوینده، نظیر فرماندهی سپاه،^۴ زندان‌بانی،^۵ خلافت،^۶ امارت^۷ و قضاوت^۸ است. در مواردی نیز این گونه بیان عرض حاجت با «اصحک الله» برای افرادی مانند امام معصوم علیه السلام - که از جایگاه بالایی برخوردار بوده و توانایی گره‌گشایی را دارند - به کار رفته است.^۹ از موارد جالب در این چارچوب، زمانی است که گوینده، دختر چهره سرشناسی را از او خواستگاری کرده و در هنگامه بیان درخواست خود از اصطلاح «اصحک الله» بهره می‌برد.^{۱۰}

۱. الاحاد و المثانی، ج ۲، ۱۷۶: «مِيسِرَةُ بْنُ حَلْبَسٍ قَالَ: لَقِيتُ وَائِلَةَ بْنَ الْأَنْصَعِ فَلَسَّمْتُ عَلَيْهِ فَقُلْتُ: كَيْفَ أَنْتَ يَا أَبَا شَدَّادٍ أَصْلَحَكَ اللَّهُ؟ قَالَ: خَيْرٌ يَا ابْنَ أَخِي؛ طبقات الشعراء، ص ۳۷۲؛ جمهرة نسب قريش، ص ۸۵.

۲. الإمامة و التبصرة من الحيرة، ص ۸۷: «عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ، قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَصْلَحَكَ اللَّهُ، بَلَّغْنَا شُكْرًا، فَأَشْفَقْنَا، فَلَوْ أَعْلَمْتُنَا: مَنْ يَغْدُكَ؟؛ اثبات الوصية، ص ۲۶۷.

۳. قرب الاسناد، ص ۳۰۶.

۴. وقعة الطف، ص ۲۳۳.

۵. عيون الاخبار، ج ۲، ص ۱۷۸.

۶. الطبقات الكبرى، ج ۳، ص ۷۱.

۷. شرح ابن ابی الحديد، ج ۴، ص ۱۰۰ و ۲۶۱.

۸. المنمق في اخبار قريش، ص ۳۹۳؛ مسائل ابن ابی شبة، ص ۱۳۴.

۹. بحار الأنوار، ج ۶۹، ص ۴؛ الكامل في اللغة و الادب، ج ۱، ص ۱۵۳؛ انساب الاشراف، ج ۹، ص ۲۶۱.

۱۰. الزهد (حنبل)، ص ۱۱۶: «حَطَبَ يَزِيدُ بْنُ مُعَاوِيَةَ إِلَى أَبِي الدَّرْدَاءِ ابْنَتَهُ فَرَدَهُ فَقَالَ رَجُلٌ مِنْ جُلَسَاءِ يَزِيدَ: أَصْلَحَكَ اللَّهُ تَأْذُنُ لِي أَنْ أَتَزَوَّجَهَا؟؛ الثامن من اجزاء ابی علی بن شاذان، ص ۴.

نتیجه گیری

در بسیاری از پژوهش‌ها برای شناسایی معنای عبارات صرفاً به سراغ معنای لغوی آن گزاره می‌روند؛ فرآیندی که در برخی موارد ما را به مقصود واقعی گوینده نمی‌رساند. گزاره «اصلحک الله» نیز از این خطای روشی در امان نمانده است. معناشناسی لغوی این عبارت در نگاه اعتقادی امامیه با یک چالش همراه شده و برخی را برآن داشته که کاربرست «اصلحک الله» را نشانی از معرفت و شناخت کم راوی نسبت به امام علیه السلام تلقی کنند. در این نوشتار با تکیه بر روش سیاقی، یکایک کاربردهای این عبارت در منابع فریقین مورد بررسی قرار گرفته، نشان داده شده دارای معنایی اصطلاحی و فراتراز معنای لغوی آن است. کاربرست‌های این اصطلاح حاکی از آن است که «اصلحک الله» تعبیری است که از متکلم دانی به مخاطب عالی صادر می‌شود و گونه‌ای عرض ادب و شرمساری گوینده به امام علیه السلام / مخاطب را نشان می‌دهد. این کاربرست با این معنای محوری و با رویکردهای مختلفی از جمله در مقام عرض حاجت بودن، طرح سؤال مجدد، بیان شگفت‌زدگی و انتقاد ایراد می‌شده است. فضای گزارش‌هایی که بزرگان عامه، امامان امامیه را با «اصلحک الله» خطاب کرده‌اند نشان می‌دهد که امامان علیهم السلام در جایگاه بالایی همچون ولایتعهدی قرار داشته و گوینده در صدد ادای احترام است؛ اگرچه این احترام و ادب ملازم اعتراف به امامت و عصمت مخاطب نیست. در نهایت، نتیجه گرفته می‌شود که این کاربرست به معنای کم‌معرفتی راوی نسبت به امام علیه السلام نیست، بلکه نوعی ادای احترام عرفی بوده که در ادبیات مردمان آن عصر رواج داشته است.

کتابنامه

- اثبات الوصیة، علی بن حسین مسعودی، قم، انصاریان، چاپ سوم، ۱۴۲۶ق.
 أخبار الدولة العباسیة، مجهول، تحقیق: عبد العزیز الدوری، عبد الجبار المطلبی، بیروت، دارالطلیعة، بی‌تا.
 أخبار الشیوخ و أخلاقهم، أحمد بن محمد مؤؤذی، تحقیق: عامر حسن صبری، دارالبشائر الإسلامية، الطبعة الأولى، ۱۴۲۶ق.
 أخبار القضاة، وکیع، محقق: عبد العزیز مصطفی المراغی، المكتبة التجارية الکبر، الطبعة الأولى، ۱۳۶۶ق.

- أخبار مكة في قديم الدهر وحديثه، محمد بن إسحاق فاكهي، دراسة وتحقيق: عبد الملك بن عبد الله بن دهيش، مكة، مكتبة الاسدي، الطبعة الرابعة، ١٤٢٤ق.
- الإختصاص، محمد بن محمد مفيد، قم، المؤتمر العالمي لالفية الشيخ المفيد، چاپ اول، ١٤١٣ق.
- الإستبصار فيما اختلف من الأخبار، محمد بن حسن طوسي، تهران، دارالكتب الإسلامية، ١٣٩٠ق.
- الإشراف في منازل الأشراف، ابن أبي الدنيا، محقق: نجم عبدالرحمن خلف، رياض، الطبعة الأولى، ١٤١١ق.
- الأصول الستة عشر، عدهای از علماء، قم، دارالشبستری للمطبوعات، چاپ اول، ١٣٦٣ش.
- الأمالي، محمد بن الحسن طوسي، قم، دارالثقافة، چاپ اول، ١٤١٤ق.
- الأمالي، يموت بن المزرع، تاريخ النشر بالشاملة: ٨ ذوالحجة ١٤٣١ق.
- الإمامة والتبصرة من الحيرة، محمد بن علي بن بابويه (شيخ صدوق)، قم، مدرسة الإمام المهدي عليه السلام، چاپ اول، ١٤٠٤ق.
- أنساب الخيل في الجاهلية والإسلام و أخبارها، هشام بن محمد كلبی، تحقيق: حاتم صالح الضامن، دمشق، دارالبشائر، الطبعة الأولى، ١٤٢٣ق.
- الآحاد و المثاني، أبو بكر بن أبي عاصم شيباني، محقق: باسم فيصل أحمد الجوابرة، رياض، دارالراية، الطبعة الأولى، ١٤١١ق.
- بحار الأنوار، محمد باقر مجلسی، بيروت، دار إحياء التراث العربي، چاپ دوم، ١٤٠٣ق.
- البرهان في تفسير القرآن، سيد هاشم بن سليمان بحراني، قم، مؤسسه بعثه، چاپ اول، ١٣٧٤ش.
- بصائر الدرجات في فضائل آل محمد عليهم السلام، محمد بن حسن صفار، محقق / مصحح: كوچه باغي، قم، مكتبة آية الله المرعشي النجفي، چاپ دوم، ١٤٠٤ق.
- البصائر و الذخائر، أبو حيان التوحيدى، بيروت، دارصادر، الطبعة الأولى، ١٤٠٨ق.
- بلاغات النساء، ابن طيفور احمد بن أبي طاهر، قم، الشريف الرضى، چاپ اول، بى تا.
- البيان و التبیین، عمرو بن بحر جاحظ، بيروت، دار و مكتبة الهلال، ١٤٢٣ق.
- تاريخ ابن معين، يحيى بن معين بغدادى، روايت ابن محرز، دمشق، مجمع اللغة العربية، الطبعة الأولى، ١٤٠٥ق.

- تاريخ الثقات، أحمد بن عبد الله عجلي، دارالباز، الطبعة الأولى، ١٤٠٥ق.
- تاريخ الرسل و الملوك، أبوجعفر ابن جرير الطبري، دارالمعارف، مصر، الطبعة الثانية، ١٣٨٧ق.
- تاريخ خليفة بن خياط، خليفة بن خياط، محقق: أكرم ضياء العمرى، دمشق، دارالقلم، الطبعة الثانية، ١٣٩٧ق.
- تفسير العياشي، محمد بن مسعود عياشى، محقق / مصحح: سيد هاشم رسولى محلاتى، تهران، المطبعة العلمية، چاپ اول.
- تفسير القمى، على بن ابراهيم قمى، محقق / مصحح: موسى جزائرى، قم، دارالكتاب، چاپ سوم، ١٤٠٤ق.
- تفسير فرات الكوفى، فرات بن ابراهيم كوفى، محقق / مصحح: محمد كاظم، تهران، مؤسسة الطبع و النشر فى وزارة الإرشاد الإسلامى، چاپ اول، ١٤١٠ق.
- التوحيد، محمد بن على بن بابويه (شيخ صدوق)، قم، مؤسسة النشر الإسلامى، ١٤١٦ق.
- تهذيب الأحكام، محمد بن الحسن طوسى، مصحح: حسن الموسوى خراسان، تهران، دارالكتب الإسلاميه، ١٤٠٧ق.
- الثامن من أجزاء أبى على بن شاذان، أبو على البزاز، مخطوط نُشر فى برنامج جوامع الكلم المجانى التابع لموقع الشبكة الإسلاميه، الطبعة الأولى، ٢٠٠٤م.
- الجامع، معمر بن راشد الأزدي، محقق: حبيب الرحمن الأعظمى، الهند، المجلس العلمى، الطبعة الثانية، ١٤٠٣ق.
- الجليس الصالح الكافى و الأنيس الناصح الشافى، معافى بن زكريا، محقق: عبد الكريم سامى الجندى، بيروت، دارالكتب العلمية، الطبعة الأولى، ١٤٢٦ق.
- جمل من أنساب الأشراف، أحمد بن يحيى بَلَاذُرى، بيروت، دارالفكر، الطبعة الأولى، ١٤١٧ق.
- جمهرة نسب قريش و أخبارها، زبير بن بكار، محقق: محمود محمد شاكر، مطبعة المدنى، ١٣٨١ق.
- حديث سفيان بن عيينة رواية المروزي، سفيان بن عيينة، طنطا، دارالصحابة للتراث، الطبعة الأولى، ١٤١٢ق.
- الخرائج و الجرائح، قطب الدين سعيد بن هبة الله راوندى، قم، مؤسسه امام مهدي ﷺ، چاپ

اول، ۱۴۰۹ ق

الخصال، محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، محقق / مصحح: علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، چاپ اول، ۱۳۶۲ ش.

دیوان ابی الأسود الدؤلی، أبوسعید السکری، تحقیق: محمد حسن آل یاسین، دار و مكتبة الهلال، الطبعة الثانية، ۱۴۱۸ ق.

رسائل الجاحظ، عمرو بن بحر جاحظ، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، القاهرة، مكتبة الخانجي، ۱۳۸۴ ق.

روضة المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه، محمد تقی مجلسی، بی جا، بنیاد فرهنگ اسلامی کوشانیپور، ۱۴۰۶ ق.

زبیر بن بکار، الأخبار الموفقیات، تحقیق: سامی مکی العانی، عالم الكتب، الطبعة الثانية، بیروت، ۱۴۱۶ ق.

الزهد، أحمد بن حنبل شیبانی، بیروت، دارالکتب العلمية، الطبعة الأولى، ۱۴۲۰ ق.
السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، محمد بن احمد ابن ادريس، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۰ ق.

السقيفة و فدک، احمد بن عبد العزى جوهرى بصرى، محقق / مصحح: محمد هادی امینی، تهران، مكتبة نینوی الحديثة، بی تا.

سنن ابن ماجه، ابن ماجه، تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقي، دار إحياء الكتب العربية، بی تا.
سيرة ابن إسحاق، محمد بن إسحاق مدنی، تحقیق: سهیل زکار، بیروت، دارالفکر، الطبعة الأولى، ۱۹۷۸ م.

شرح چهل حدیث، روح الله خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۹۴ ش.
شرح نقائض جریر و الفرزدق، أبوعبیده معمر بن المثنی، تحقیق: محمد ابراهیم حور - ولید محمود خالص، أبوظبی، المجمع الثقافی، الطبعة الثانية، ۱۹۹۸ م.

شرح نهج البلاغة، ابن أبی الحديد، محقق / مصحح: محمد ابوالفضل ابراهیم، قم، مكتبة آية الله المرعشي النجفی، چاپ اول، ۱۴۰۴ ق.

الشعر و الشعراء، قتیبة الدینوری، القاهرة، دارالحدیث، ۱۴۲۳ ق.

صحیح الأدب المفرد، محمد بن إسماعیل بخاری، تحقیق: محمد ناصرالدین الألبانی، دارالصدیق للنشر والتوزيع، الطبعة الرابعة، ۱۹۹۷ م.

- صحيح البخارى، محمد بن إسماعيل بخارى، تحقيق: مصطفى ديب البغا، دمشق، دار ابن كثير، الطبعة الخامسة، ١٤١٤ق.
- صحيح البخارى، محمد بن إسماعيل بخارى، محقق: محمد زهير بن ناصر الناصر، بيروت، دار طوق النجاة، الطبعة الأولى، ١٤٢٢ق.
- صحيح مسلم، مسلم بن الحجاج نيسابورى، محقق: محمد فؤاد عبد الباقي، بيروت، دار إحياء التراث العربى، ١٣٧٤ق.
- طبّ الأئمة عليهم السلام، عبدالله وحسين ابنا بسطام، محقق / مصحح: محمد مهدي خرسان، قم، دار الشريف الرضى، چاپ دوم، ١٤١١ق.
- طبقات الشعراء، ابن المعتز، محقق: عبد الستار أحمد فراج، القاهرة، دارالمعارف، الطبعة الثالثة.
- الطبقات الكبرى، ابن سعد، محقق: على محمد عمر، القاهرة، مكتبة الخانجي، الطبعة الأولى، ١٤٢١ق.
- طبقات فحول الشعراء، محمد بن سلام جمحى، محقق: محمود محمد شاكر، جدة، دارالمدنى، تاريخ النشر بالشاملة: ٨ ذو الحجة ١٤٣١ق.
- العزلة و الانفراد، ابن أبى الدنيا، محقق: مسعد عبد الحميد محمد السعدنى، القاهرة، مكتبة الفرقان.
- علل الشرايع، محمد بن على بن بابويه (شيخ صدوق)، قم، داورى، چاپ اول، ١٣٨٥ش.
- العلل و معرفة الرجال، أحمد بن حنبل شيبانى، محقق: وصى الله بن محمد عباس، رياض، دارالخانى، الطبعة الثانية، ١٤٢٢ق.
- عمدة عيون صحاح الأخبار فى مناقب إمام الأبرار، يحيى بن حسن ابن بطريق، قم، مؤسسة النشر الاسلامى، چاپ اول، ١٤٠٧ق.
- العمر و الشيب، ابن أبى الدنيا، محقق: نجم عبد الرحمن خلف، رياض، مكتبة الرشد، الطبعة الأولى، ١٤١٢ق.
- عيون أخبار الرضا عليه السلام، محمد بن على بن بابويه (شيخ صدوق)، محقق / مصحح: مهدي لاجوردى، تهران، نشر جهان، چاپ اول، ١٣٧٨ق.
- عيون الأخبار، قتيبة الدينورى، بيروت، دارالكتب العلمية، ١٤١٨ق.
- الغارات، ابراهيم بن محمد ثقفى، محقق / مصحح: جلال الدين محدث، تهران، انجمن آثار

- ملی، چاپ اول، ۱۳۹۵ق.
- الغیبة، محمد بن ابراهيم بن أبی زينب نعمانی، محقق / مصحح: علی اکبر غفاری، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۷ق.
- الغیبة، محمد بن الحسن طوسی، قم، دارالمعارف الإسلامية، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.
- فتوح البلدان، أحمد بن یحیی بلاذری، بیروت، دار و مكتبة الهلال، ۱۹۸۸م.
- فضائل مكة، أبوسعید الجندی، تحقیق: أبی عبيدة جودة محمد، الطبعة الأولى، ۱۴۴۱ق.
- قرب الاسناد، عبد الله بن جعفر حمیری، قم، مؤسسة آل البيت عليه السلام، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
- الكافي، محمد بن یعقوب کلینی، قم، دارالحديث، چاپ دوم، ۱۴۲۹ق.
- الکامل فی اللغة و الأدب، محمد بن یزید مبرد، القاهرة، دارالفکر العربی، الطبعة الثالثة، ۱۴۱۷ق.
- كتاب الأموال، قاسم بن سلام بغدادی، محقق: خليل محمد هراس، بیروت، دارالفکر.
- كتاب القدر، جعفر بن محمد فزیابی، محقق: عبد الله بن حمد المنصور، السعودية، أضواء السلف، الطبعة الأولى، ۱۴۱۸ق.
- كتاب بغداد، ابن طيفور احمد بن أبی طاهر، محقق: السيد عزت العطار الحسيني، مكتبة الخانجي، الطبعة الثالثة، ۱۴۲۳ق.
- مجمع البحرين، فخرالدين بن محمد طريحي، مصحح: حسینی اشکوری، چاپ سوم، تهران، ۱۳۷۵ش.
- المحاسن والأضداد، عمرو بن بحر جاحظ، بیروت، دار و مكتبة الهلال، ۱۴۲۳ق.
- المحاسن، احمد بن محمد بن خالد برقي، محقق / مصحح: جلال الدين محدث، قم، دارالکتب الإسلامية، چاپ دوم، ۱۳۷۱ق.
- المدونة، مالک بن أنس، دارالکتب العلمية، بیروت، الطبعة الأولى، ۱۴۱۵ق.
- مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، محمد باقر مجلسی، محقق: سيد هاشم رسولی محلاتی، تهران، دارالکتب الإسلامية، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
- المروءة، محمد بن خلف بن المرزبان، تحقیق: محمد خير رمضان يوسف، بیروت، دار ابن حزم، الطبعة الأولى، ۱۴۲۰ق.
- مسائل الإمام أحمد بن حنبل و إسحاق بن راهويه، إسحاق بن منصور بالكوسج، عمادة البحث العلمي، مدينة المنورة، الجامعة الإسلامية، الطبعة الأولى، ۱۴۲۵ق.

- مسائل في الجرح و التعديل، ابن أبي شيبة، محقق: عامر حسن صبرى، بيروت، دارالبشائر الإسلامية، الطبعة الأولى، ١٤٢٥ق.
- المسترشد في إمامة علي بن أبي طالب عليه السلام، محمد بن جرير بن رستم طبرى آملی كبير، محقق / مصحح: احمد كوشانيپور محمودی، قم، چاپ اول، ١٤١٥ق.
- مسند أبي يعلى، أبويعلى الموصلى، محقق: حسين سليم أسد، دمشق، دارالمأمون للتراث، الطبعة الأولى، ١٤٠٤ق.
- مسند الإمام أحمد بن حنبل، أحمد بن حنبل شيباني، محقق: شعيب الأرنؤوط - عادل مرشد، مؤسسة الرسالة، الطبعة الأولى، ١٤٢١ق.
- مشيخة يعقوب بن سفيان الفسوى، فسوى، محقق: محمد بن عبد الله السريع، رياض، دارالعاصمة، الطبعة الأولى، ١٤٣١ق.
- مصرى، عبد الرحمن بن عبد الله، فتوح مصر والمغرب، مكتبة الثقافة الدينية، ١٤١٥ق
- المصنف، ابن أبي شيبة، محقق: سعد بن ناصر الشثري، رياض، داركنوز إشبيليا للنشر والتوزيع، الطبعة الأولى، ١٤٣٦ق.
- المصنف، عبد الرزاق بن همام صنعاني، دارالتأصيل، الطبعة الثانية، ١٤٣٧ق.
- المعارف، قتيبة الدينوري، تحقيق: ثروت عكاشة، القاهرة، الهيئة المصرية العامة للكتاب، الطبعة الثانية، ١٩٩٢م.
- معاني الأخبار، محمد بن علي بن بابويه (شيخ صدوق)، محقق / مصحح: علي اكبر غفاري، قم، دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، چاپ اول، ١٤٠٣ق.
- معاشناسى ٢، على رضا قائمى نيا، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ اول، ١٣٩٩ش.
- من لا يحضره الفقيه، محمد بن علي بن بابويه (شيخ صدوق)، مصحح: علي اكبر غفاري، قم، دفتر انتشارات اسلامي، ١٤١٣ق.
- المنق في أخبار قريش، محمد بن حبيب، محقق: خورشيد أحمد فاروق، بيروت، عالم الكتب، الطبعة الأولى، ١٩٨٥م.
- المؤمن، حسين بن سعيد كوفى اهوازى، قم، مؤسسة الإمام المهدي عليه السلام، ١٤٠٤ق.
- النوادر، احمد بن محمد بن عيسى، اشعري قمى، قم، مدرسة الإمام المهدي عليه السلام، چاپ اول، ١٤٠٨ق.

وقعة الطف، ابومخنف لوط بن یحیی، محقق / مصحح: محمد هادی یوسفی غروی، قم،
جامعه مدرسین، چاپ سوم، ۱۴۱۷ق.
وقعة صفین، نصر بن مزاحم، قم، مكتبة آية الله المرعشي النجفي، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.